

نقش مدیریت صحیح دام و مرتع در پیشگیری از بیماریهای دامی

مهدی نالئی، کارشناس دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (واحد خوراسگان)

چکیده:

امروزه بیشتر گوسفندان ایران با چرای آزاد از مرتع نیازهای خود را تا حدی بدست می‌آورند و این برای دامدار از نظر اقتصادی به صرفه می‌باشد، ولی باید به این نکته توجه داشت که مرتع مورد استفاده ممکن است آثار سوئی داشته باشد و سبب بیماری شود. هدف از طرح این مقاله ارائه راهکارهای مدیریتی (بهداشتی و تغذیه‌ای) برای هرچه کمتر شدن بیماری در مراتع می‌باشد. بیماریهای مرتعی به شکلهای مختلفی ممکن است بروز کند. عواملی مانند موجودات ذره‌بینی، انگلها، مصرف بیش از حد عناصر معدنی، کمبود عناصر معدنی و تغذیه با علفهای سمی در بروز بیماریها نقش مهمی را ایفا می‌کنند. به منظور مقابله با این موانع باید مرتع از نظر وضعیت پوشش گیاهی منطقه، نوع گیاهان مرتعی، موقعیت جغرافیایی و توپوگرافی منطقه، آب تأمین و میزان آلودگی آن و همچنین به دام از نظر سن گله، وضعیت ظاهری، موقعیت گله، وضعیت دامها و گله‌های همسایه و مجاور مورد بررسی قرار گیرد. تا با ارائه یک برنامه صحیح بتوان دامها را سالم نگاه داشت و مرتع و پوشش گیاهی آن را حفظ نمود. برای این کار می‌توان گله را در برابر عوامل بیماری‌زا طبق برنامه مشخص بهداشتی واکسینه کرد و در مواقعی که احتمال بروز بیماری انگلی وجود دارد از داروی ضد انگل استفاده کرد. بعد از اینکه گله از چرا برگشت لازم است مکمل معدنی در اختیار آنها قرار داد تا کمبود احتمالی مواد مغذی مورد نیاز تأمین شود. اگر مرتع در حاشیه شهر و مناطق

صنعتی یا در منطقه‌ای که پساب کارخانه‌های صنعتی در آنجا ریخته می‌شوند قرار گرفته باشد بهتر است که از چرای دام در آن منطقه جلوگیری شود و اگر مرتعی از نظر پوشش گیاه فقیر باشد، احتمال وجود گونه‌های سمی بیشتری شود. البته این گونه‌ها ممکن است بیماری را به صورت مسمومیت و اختلال در دستگاه گوارش و یا ایجاد حساسیت نوری بروز دهند و لازم است که دام در این مراتع چرا نکند.

واژه های کلیدی:

پیشگیری، بیماریهای دامی و ضد انگل.

مقدمه:

از زمانهای قدیم تا امروز تمام پرورش دهندگان گوسفند از طبیعت و مرتع به عنوان یک منبع غذایی خوب استفاده می‌کردند و به سبب طبیعت و ویژگیهای خاصی که این دام دارد باید مدتی را به چرا در زمین یا منطقه‌ای که پوشش گیاهی آن را فرا گرفته است بگذرانند، ولی امروزه با توجه به کمبود آب و نزولات جوی و چرای بی‌رویه دام و عدم رعایت مسایل بهداشتی هر دو در معرض خطر قرار گرفته‌اند. امروزه با توجه به پیشرفت علوم کشاورزی و منابع طبیعی می‌توان یک برنامه صحیح مدیریتی (بهداشتی، تغذیه‌ای) برای حفظ دام و مرتع پیاده نمود تا هم پوشش گیاهی مرتع حفظ شود و هم دام از آلودگی و بیماری در امان باشد. لازم به ذکر است این مقاله با توجه به شواهدی که در منطقه موسی‌آباد شهرستان دهاقان از توابع استان اصفهان در دست می‌باشد و بقیه مطالب با توجه به مقاله‌های علمی و گزارشهایی که از مناطق دیگر بدست آمده تهیه شده است.

بیماری دام در مرتع به دلیل عواملی مانند موجودات ذره‌بینی، انگلها، علفهای سمی، کمبود عناصر یک منطقه یا زیادی عناصر می‌باشد که به طور جداگانه به بررسی آنها می‌پردازیم.

موجودات ذره‌بینی که گله‌های گوسفند را تحت تأثیر قرار می‌دهند. به صورت ویروسی یا باکتریایی یا مایکوپلازما می‌باشند.

باکتری ای که سبب بیماری می‌شود باسیلوس آنتراسیس است که میکروبی هوازی و هاگدار بوده و عامل بیماری شاربون (Anthrax) می‌باشد. انتقال بیماری از راه انتقال هاگ (spore) است. لاشه‌های مبتلأ به بیماری یا نیش حشرات حامل این بیماری سبب ایجاد بیماری می‌شود.

علائم آن شامل افزایش درجه حرارت بدن، بی‌اشتهایی مطلق، بیحالی، جاری شدن خون از مجاری طبیعی و مرگ با حرکتهای تشنجی می‌باشد.

عوامل ویروسی: ویروسها همیشه نسبت به باکتریها بیشتر گله را تحت تأثیر قرار می‌دهند و زود در منطقه پخش می‌شوند. مهمترین آنها عبارتند از:

تب برفکی: تماس با حیوانات آلوده و تغذیه از مواد آلوده به ویروس سبب بروز بیماری می‌شود. علائم آن سرازیر شدن بزاق از دهان، پیدایش تاول در دهان و زخمهای تاولی در لته‌ها می‌باشد.

اکتیمای مسری: بر اثر خراش پوستی در هر جای بدن ایجاد می‌شود. علائم آن شامل پیدایش زخمهای پوستی و موضعی در اطراف لبها به‌ویژه در قسمت زاویه لبها می‌باشد.

آبله: بر اثر تماس با گوسفندان و اشیای آلوده به ویروس ایجاد می‌شود. علائم آن ازدیاد درجه حرارت بدن، پیدایش وزیکول و پوستول در نواحی فاقد پشم می‌باشد.

آگلاکسی: عامل آن مایکوپلازما (p.p.l.o) بوده و بر اثر تماس با حیوانهای آلوده و ترشحات آنها به وجود می‌آید. علائم آن شامل ازدیاد درجه حرارت بدن، تورم قرنیه و نسوج ملتحمه چشم می‌باشد.

انگله‌ها: این دسته از عوامل بیماری‌زا بیشتر در مناطق مرطوب و باتلاقی دیده می‌شوند، زیرا میزبان واسطه آنها نیز در این مناطق وجود دارد. از مهمترین آنها تینا سازیناتا و فاسیولاهپاتیکا را می‌توان نام برد.

تینا سازیناتا: تینا سازیناتا دارای بدنی دراز و بندبند دارد که در انتهای بدن بزرگتر می‌باشد. این کرم سری گرد داشته و قلاب و چند بادکش دارد. زمانی که این بندها از بدن جدا شده و از بدن میزبان خارج می‌شود. این تخم کرم شبیه تخم کدو است و به همین خاطر به آن کرم کدو نیز می‌گویند. اگر این تخم به وسیله حیوان بلعیده شود، این بند در روده باز شده و فعالیت خود را از سر می‌گیرد. بندهای بزرگتر به مرور زمان از بدن کرم جدا شده و از بدن حیوان دفع می‌شود و اگر به وسیله حیوان دیگری بلعیده شود این چرخه تکرار می‌شود. کرم کدو به دیواره روده چسبیده و از مواد گوارشی استفاده نموده و سبب می‌شود دیواره روده نازک شود. در کالبد شکافیها دیواره روده به قدری نازک می‌شود که با کوچکترین حرکت بافت روده از هم متلاشی می‌شود. تخم این کرم پوسته ضخیمی که سخت‌ترین شرایط را تحمل می‌کند بیماری که این کرم کدو به وجود می‌آورد تنیازیس نام دارد که از علائم بارز آن اسهال، دل درد شدید و لاغری می‌باشد.

فاسیولاهپاتیکا: به نام کرم کبد گوسفند معروف است زیرا در مجاری صفراوی به سر می‌برد و سبب بیماری می‌شود که استحال کبد را به دنبال دارد. بدن کرم شبیه برگ است. تخمهای این انگل قادرند تا چند ماه زنده باشند و در حرارت‌های پایین‌تر از ۱۰ درجه سانتیگراد رشد نمی‌کنند. زمانی که تخم در شرایط مساعد قرار گرفت یک لارو

میکروسکوپی مژکدار به نام میراسیدیوم از آن خارج شده و در آب شنا می‌کند و حداکثر ظرف هشت ساعت خود را به میزبان واسطه که نوعی حلزون به نام لیمنه می‌باشد می‌رساند در غیر این صورت می‌میرد. بعد از اینکه وارد بدن حلزون شد در بدن میزبان تبدیل به اسپوروسیت شده و به وسیله بکرزایی به چند ردیا تبدیل می‌شود و بعد از گذشت مدتی به سرکاریا تبدیل می‌شود. حلزون بر اثر عفونت سرکاریا می‌میرد. سرکاریا از بدن خارج شده، در آب شنا کرده و به گیاهان اطراف می‌چسبد و تبدیل به متاسرکاریا می‌شود. این یاخته‌ها که در داخل متاسرکاریا به وسیله یک کیست پوشانده شده اند زمستان‌گذرانی می‌کنند و در بهار که گوسفندان برای چرا می‌آیند اگر به وسیله حیوان بلعیده شوند در بدن حیوان کیست باز شده و در مجرای صفرا به رشد و نمو خود ادامه می‌دهد. بعد از مدتی شروع به تولید تخم می‌کند و آن را از راه مجرای گوارشی دفع کرده و از بدن خارج می‌شود و این چرخه ادامه می‌یابد.

کمبود یا زیادی عناصر: عناصر در بدن نقش مهمی را ایفا می‌کنند و بیشتر به‌عنوان کاتالیز در فرآیندهای متابولسمی شرکت دارند که به آنزیمها متصل می‌شوند، یا اینکه به صورت کلیت یک ماده آلی که عنصر فلزی را در برگرفته است مانند کلروفیل، سیتوکروم، هموگلوبین و ویتامین B₁₂ وجود دارند. بروز کمبود عناصر در بدن حیوان بستگی به میزان عناصر در مرتع و شرایط فیزیولوژیکی دارد. اگر حیوان آبستن باشد این کمبود بیشتر دیده می‌شود.

میزان عناصر در خاک مرتع با عناصر موجود در گیاه رابطه مستقیم دارد. در اینجا به بررسی مهمترین این عناصر می‌پردازیم.

منیزیم: به عنوان فعال‌کننده آنزیم است. کمبود آن سبب بروز بیماری کزاز علفی می‌شود. علائم آن تشنج عضلات، افزایش حساسیت اعصاب، لرزش و تلو تلو خوردن می‌باشد و در صورت شدت، منتهی به مرگ می‌شود.

کبالت: برای ترکیب ویتامین B₁₂ ضروری می‌باشد. کبالت فقط در کبد ذخیره می‌شود. این عنصر در شکمبه به وسیله موجودات ذره‌بینی به ویتامین B₁₂ تبدیل شده و مورد استفاده حیوان قرار می‌گیرد. کمبود کبالت سبب بروز بیماری Pining می‌شود. علائم آن شامل کاهش تدریجی اشتها، کاهش وزن، لاغری، پیکا، کم‌خونی و سرانجام مرگ می‌باشد.

سلنیوم: با متابولیسم ویتامین E رابطه مستقیم دارد. به‌طور معمول به‌عنوان آنتی‌اکسیدان می‌باشد. کمبود آن سبب ایجاد بیماری ماهیچه سفید می‌شود که از علائم آن کاهش وزن می‌باشد. البته باید به این نکته توجه داشت که زیاده‌ی سلنیوم در خاک سبب بروز مسمومیت می‌شود، زیرا برخی گیاهان مانند: *Astragalus racemosus* و *Neplunia amplexi camlis* قادرند میزان زیاده‌ی سلنیوم را جذب نمایند و حیوان با مصرف این گیاهان دچار مسمومیت می‌شود. علائم مسمومیت شامل سرگیجه، اختلال تنفسی و کوری می‌باشد و در صورت حاد بودن منتهی به مرگ می‌شود.

مس: برای رنگ مو و پشم لازم است و سبب پیچش مو یا پشم می‌شود. در سیستمهای آنزیمی نقش مهمی ایفا می‌کند. کمبود مس بیشتر در میشهای آبستن دیده می‌شود. علائم آن شامل کم‌خونی، کاهش رشد، اسهال، ناراحتیهای گوارشی و بیرنگ شدن پشم است، ولی باید به خاطر داشت که زیاده‌ی آن سبب مسمومیت می‌شود مقدار اضافه آن در کبد حیوان جمع می‌شود.

فسفر: برای حضور در استخوان، فسفوپروتئینها، متابولیسم کربوهیدراتها، فسفولیپیدها و اسیدهای نوکلئیک لازم است و رابطه نزدیکی با کلسیم دارد. کمبود آن سبب بروز ریکتزیا استئومالاشیا می‌شود. پیکا نیز عارضه‌ای است که در اثر کمبود فسفر به وجود می‌آید. کمبود فسفر بیشتر در میشهای آبستن دیده می‌شود. از علائم کمبود فسفر

می‌توان به جویدن سنگ، چوب، پارچه و اجسام خارجی اشاره کرد. همچنین سقط جنین، بی‌اشتهایی و عدم تمایل به غذا را می‌توان نام برد.

مسمومیت به وسیله عناصر بالا کمتر گزارش شده است، مگر در مواردی محدود مانند مسمومیت بر اثر زیادی مس که بیشتر در خاکهایی که مقدار مس آنها زیاد باشد یا در آبهایی که از منابع مس یا از مجاور آنها عبور می‌کنند دیده می‌شود، ولی بیشتر مربوط به عناصری مانند جیوه، سرب یا مواد هالوژن دار قوی، رنگهای صنعتی و پساب کارخانه‌ها می‌باشد.

گیاهان سمی: مسمومیت به وسیله گیاهان به خاطر وجود آلكالوئیدها یا مواد سیانوژن مانند اسید سیانیدریک می‌باشد. گیاهان سمی به‌طور معمول از خانواده فریونها می‌باشند. بیشتر در مراتع فقیر که این گونه‌ها غالب شده‌اند، مسمومیت گیاهی دیده می‌شود.

با توجه به عوامل گفته شده باید به منابع آب مرتع و دام توجه شود، زیرا ممکن است پساب کارخانه‌ها و عناصر سمی در آن وجود داشته باشد و لازم است میزان آلودگی آن نسبت به مواد شیمیایی مشخص شود. اگر منطقه به صورت مرداب یا باتلاق باشد، احتمال بروز بیماری انگلی زیاد است. باید به مرتع از نظر وضعیت پوشش گیاهی توجه زیادی شود زیرا اگر مرتع از نظر پوشش گیاهی فقیر باشد احتمال غلبه گونه‌های سمی در آن وجود دارد. دامهای جوان نسبت به دامهای مسن بیشتر در معرض خطر بیماری می‌باشند همچنین میشهای آبستن به خاطر وضعیت فیزیولوژیکی خود چنین وضعیتی دارند باید به این مسأله توجه داشت که چه گله‌هایی در مجاورت گله وجود دارد و اوضاع و موقعیت آنها چگونه می‌باشد، زیرا اگر گله‌ای آلوده باشد در انتقال بیماری و پخش آن در منطقه نقش مؤثری دارد. بنا براین با توجه به مطالب گفته شده به‌منظور پیشگیری از بیماریها و سلامت گله لازم است به نکات زیر دقت شود:

دامها را باید طبق یک برنامه منظم و مشخص در برابر بیماریهای ویروسی و باکتریایی واکسینه کرده و لاشه‌های مرده حیوانات یا دامهای تلف شده باید سریع سوزانده شود.

به منظور مبارزه با انگلهایی مانند تیا در صورت شیوع یا احتمال شایع شدن آنها از داروهای ضد انگل با طیف وسیع استفاده شود. در صورت امکان باید مردابها را خشک کرد یا از محلول کمی سولفات مس برای مبارزه با لارو کرم کبک گوسفند در آبها استفاده شود، ولی بهتر است از غاز یا مرغابی برای از بین بردن میزبان واسطه استفاده شود.

بهتر است بعد از چرای گله، مکملهای معدنی به صورت بلوک یا تغذیه کنسانتره‌ای در اختیار آنها قرار گیرد تا در صورت کمبود جبران شود.

از چرای دام در حاشیه شهرهای صنعتی، کارخانه‌ها، آبهای آلوده به زباله‌های شیمیایی و مراتعی که عناصر سمی یا مقدار بیش از حد یک عنصر در آنها وجود دارد جلوگیری شود.

اگر مرتعی از نظر پوشش گیاهی فقیر باشد دام را به مرتع نبریم و سعی بر احیای مراتع داشته باشیم تا هم مرتع حفظ شود و هم دام دچار بیماری نشود.

منابع:

- ۱- سعادت نوری، منوچهر و صدرا. سیاه‌منصور، ۱۳۷۵. اصول نگهداری و پرورش گوسفند و بز.
- ۲- صوفی سیاوش و رشید، ۱۳۷۴. تغذیه دام. انتشارات عمیدی.
- ۳- حبیبی، طلعت، ۱۳۷۳. جانورشناسی عمومی. جلد دوم، انتشارات دانشگاه تهران.

مقالات اولین همایش ملی تحقیقات مدیریت دام و مرتع

حفاظت خاک، آبخیزداری و

